

در امتداد تاریکی

تباهی در پارتی شبانه!

اگر چه بد اخلاقی های دبیر ریاضی، موجب شده بود تا از مدرسه بگریزم اما این موضوع فقط یک بهانه بود و من به دلیل آشنایی خیابانی با یک پسر جوان سعی می کردم از مدرسه فرار کنم تا ساعات بیشتری را در کنار او باشم ولی آن شب او مرا به یک پارتی شبانه برد...

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، این ها بخشی از اظهارات دختر ۱۴ ساله ای است که با پوششی نامناسب و در حالی که از منزل فرار کرده بود توسط عوامل انتظامی شناسایی و به مرکز انتظامی هدایت شده بود. این دختر نوجوان که ابتدا با داستان سربایی های ساختگی قصد داشت ماجرای فرارش از خانه را توجیه کند، وقتی با سرگشت تلخ و جبران ناپذیر دختران فراری آشنا شد که پرورنده های آنان روی میز کارشناس اجتماعی قرار داشت، با چشمانی اشکبار لب به سخن گشود و به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری شقای مشهد گفت: پدرم کارگری ساده است که مدام کار می کند تا مخارج زندگی را تامین کند اما وقتی خسته به خانه می رسیدم مادرم به بهانه های واهی مشاخره های لفظی را شروع می کرد. اگر چه تحمل این شرایط برای خواهر و برادرانم راحت بود اما من از این وضعیت زجر می کشیدم و در جست و جوی محبت و عاطفه در بیرون از منزل می گشتم تا این که روزی یکی از همکلاسی هایم پاسری در خیابان آشنا شده بود. شماره تلفن آن پسر را هم به من داد تا با هم رابطه داشته باشیم. خلاصه من که احساس کمبود «محبت» همه وجودم را فرا گرفته بود، خیلی زود به «بهزاد» زنگ زدم و این گونه روابط پنهانی ما آغاز شد. از سوی دیگر چون دبیر ریاضی هنگام عصبانیت کتاب به سوی همکلاسی هایم پرت می کرد و با الفاظ نامناسب مرا خطاب قرار می داد بسیاری از دوستانم سعی می کردند به هر طریق ممکن در ساعات تدریس ریاضی از کلاس فرار کنند. من هم که به دنبال بهانه ای برای دیدار با «بهزاد» می گشتم از این فرصت سوءاستفاده می کردم. «بهزاد» هم همواره از دنیای زیبایی که برایش خواهد ساخت، سخن می گفت به طوری که خام این وعده های شیرین و خوشبختی های بعد از دواج شدم و به او اعتماد کردم. حالا دیگر با هم به سینما و کافی شاپ می رفتیم و در پارک ها دور می زدیم تا این که «بهزاد» پیشنهاد داد ساعت ۲ بامداد از خانه بیرون بروم که در زیبایی شب بایکدیگر در خیابان راه برویم ولی آن شب وقتی دل به دریا زدم و از خانه بیرون آمدم ناگهان «بهزاد» را به همراه یک دختر و ۲ پسر جوان دیگر دیدم که داخل پراید نشسته بودند! در واقع قصد دانستم «بهزاد» با این دامی که برای من گذاشته قصد دارد مرا به تبااهی بکشاند. به خاطر اعتمادی که به او داشتم سوار خودرو شدم و به یک پارتی شبانه رفتم اما آن جا دختران دیگری مانند من بودند که فریب پسران جوان را با وعده ازدواج خورده بودند...

«الهام» در حالی که دیگر صدای هق هق گریه اش در فضای اتاق مشاوره پیچیده بود، از رازی سخن گفت که آینده اش را به تبااهی کشانده بود و فریاد زد: ای کاش فریب نمی خوردم!

گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است

با توجه به اهمیت ماجرای دوستی های خیابانی و

با دستور سرگرد احسان سبکبار (رئیس کلانتری

شفای مشهد) بررسی های روان شناختی و

اقدامات مشاوره ای برای آگاه سازی دختران

نوجوان و همچنین اقدامات قانونی در باره این

ماجرای تاسف بار در دایره مددکاری اجتماعی

آغاز شد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

بازگشت قاتل فراری مسلح، با شلیک وحشتناک!

هشدار مقام قضایی: کسانی که در اختفای متهم به قتل مسلح همکاری کنند، به اشد مجازات های قانونی محکوم می شوند

گذشته وی حادثه وحشتناک دیگری را رقم زد. او که به صورت پنهانی وارد بولوار توس مشهد شده بود، در اطراف منزل خانواده همسرش به کمین نشست و در یک لحظه دوباره به صورت ایمان (برادر زن ۲۴ ساله اش) شلیک کرد و از صحنه جرم گریخت. همزمان با انتقال مجروح این حادثه وحشتناک به مرکز درمانی، تحقیقات پلیس نیز در حالی وارد مرحله جدید شد که قاضی «محمود عارفی راه» به افرادی که به اختفای قاتل مسلح فراری کمک می کنند، قاطعانه هشدار داد: صورتی که افرادی برای فراری دادن متهم تحت تعقیب یا در اختیار قرار دادن محلی برای اختفای وی، همکاری کنند پس از محاکمه به اشد مجازات های قانونی محکوم خواهند شد.

در همین حال سرهنگ مهدی سلطانیان (جانشین پلیس آگاهی خراسان رضوی) نیز از شهروندان خواست هر گونه اطلاع از مخفیگاه متهم مسلح فراری را با تلفن های ۱۱۰ یا ۱۲۶۲۰۵۹۱۱۱۰۰۹۰ در میان بگذارند.

از خانه هایشان بیرون آمدند ولی مرد مسلح در حالی از صحنه جرم گریخت که برادر زن ۴۲ ساله اش بر اثر اصابت گلوله جان سپرد و ایمان (برادر زن ۲۴ ساله) او نیز روانه بیمارستان شد و از مرگ نجات یافت. گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است طولی نکشید که با گزارش این جنایت هولناک به قاضی ویژه قتل عمد مشهد، تحقیقات میدانی گسترده ای با حضور قاضی محمود عارفی راه در مرکز درمانی و محل وقوع جنایت آغاز شد اما قاتل مسلح سوار بر خودروی پژو ۴۰۵ به محل نامعلومی گریخته بود. در همین حال با دستور ویژه قاضی شعبه ۲۱۱ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد، تصاویر بدون پوشش متهم فراری در روزنامه خراسان منتشر شد و بررسی های تخصصی کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی برای دستگیری قاتل مسلح فراری ادامه یافت اما هنوز تحقیقات در این پرونده جنایی به سرخ هایی از مخفیگاه وی نرسیده بود که نیمه شب چهارشنبه

خانوادگی به منزل «هادی-ت» (مرد ۴۰ ساله) آمدند اما در حین گفت و گوها ناگهان مرد ۴۰ ساله با عصبانیت به طرف کابینت آشپزخانه رفت و در حالی با چهره ای خشمگین به سوی همسر و برادر زن هایش بازگشت که سلاح کلت جنگی را در دست می فشرد. او بی درنگ لوله اسلحه را به سمت همسرش نشانه گرفت اما هنگامی ماشه را فشرد که برادر زن ۴۲ ساله اش خود را مقابل خواهر سپر کرد تا اسلحه را از دست شوهر خشمگین او بگیرد. در این لحظه بود که گلوله جنگی بر پیشانی «حمید-الف» نشست و او را نقش بر زمین کرد. همزمان با فرار مرد مسلح، همسر و برادر زن ۲۴ ساله وی نیز به روی پله های ساختمان رفتند تا از فراری جلوگیری کنند ولی مرد سنگدل دوباره روی پله ها ایستاد و برادر زن دیگرش را نیز هدف گرفت. این بار گلوله بر دست برادر زن ۲۴ ساله جا خوش کرد و زن جوان نیز از ترس به داخل اتاق گریخت. با صدای شلیک های پیاپی، همسایگان



سجاد پور - مرد مسلحی که با شلیک های هولناک، همسر و برادر ۲۴ ساله اش را به شدت مجروح کرده و برادر زن بزرگ ترش را نیز به قتل رسانده بود، دوباره به کمین خانواده همسرش نشست و در حالی به صورت برادر زن نجات یافته از مرگ، شلیک کرد که صحنه وحشتناک دیگری در مشهد رقم خورد.

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، این ماجرای هولناک اواخر آبان گذشته هنگامی در بولوار هدایت مشهد رخ داد که اختلافات خانوادگی میان یک زوج جوان شدت گرفت و زن ۳۴ ساله دیگر حاضر نبود به خاطر رفتارهای نسنجیده شوهرش و روابط سرد عاطفی که به همین خاطر به وجود آمده بود، با زندگی کند. در این شرایط ۲ تن از برادران زن جوان برای حل مشکل

این گزارش را بخوانید

پشت صحنه یک جنایت و چشمان دختری زیبا!



من حمله ور شد. در همین هنگام عینکش کف اتاق افتاد و من با استفاده از همین فرصت، چاقو را برداشتم و دو ضربه به شکمش زدم. خون فواره ز دوروی زمین افتاد. بعد هم پتورا رویش انداختم و به همراه دخترم از خانه بیرون زدم... هنوز سخنان «زهره» ادامه داشت که «یلدا» از شدت گرسنگی چشمان معصومش را گشود و با جملاتی آرام گفت: «مامان نان نداریم!» این جمله افسران بازجور اتکان داد. یکی از آن ها بلافاصله بیرون رفت و دقایقی بعد با یکب و آب میوه به کلانتری بازگشت. دخترک با حرص و ولع چنان کیک را بلعید که گویی تا کنون در آرزوی چنین لحظه ای عمرش را سپری کرده است.

شب از نیمه گذشته بود که باز جویی های مقدماتی به پایان رسید و زن جوان به کلانتری بانوان انتقال یافت. صبح روز بعد اما ماجرای این جنایت تلخ تر شد. «زهره» در حالی که «یلدایش» را در آغوش گرفته بود مقابل قاضی ویژه قتل عمد قرار گرفت. قاضی صفری در حالی که پرونده جنایی را مطالعه می کرد، نگاهی به زن جوان انداخت که از شدت خماری روی صندلی اتاق بازپرسی به خواب عمیقی فرو رفته بود اما در همین حال هم «یلدا» دست مادرش را می فشرد و چشمان زیبایش را به اطراف می چرخاند گویی گمشده ای دارد که قرار است او را در آن سوی نگاهش بیابد!... حالا زن جوان خمار بود و با سختی به سوالات قاضی پرونده های جنایی پاسخ می داد. بنابراین مقام قضایی بازجویی و تحقیقات اثارهایی زن جوان از این شرایط اسفبار تعطیل کرد و دستور داد تا کارشناسان اجتماعی بهزیستی «یلدا» را با خود ببرند! این صحنه در دناک حتی مقام قضایی را نیز متاثر کرد. نمی دانم در افکار دختر معصوم چه می گذشت اگر چه فراق مادر برایش دشوار بود اما چاره ای دیگر نداشت. این خدا حافظی تلخ به چشمان زیبای یلدا و چهره معصومش رنگ اشک داده بود. شاید هم درون قلبش فریادی می زد: «خدا حافظ عزیز من!» و اگر مرا دوست می داشتی من نمی رفتم! کجا برایم عزیز تر و دوست داشتنی تر از کنار مادر بود؟ اگر با من مهربان بودی، کجا اگر من زیباتر از آغوش تو بود؟ اگر مرا در بر می گرفتی، کجا امید بخش تر و روح نواز تر از دامن تو بود؟ اگر چون مادری دلسوز مرا پناه می دادی و می بوسیدی!... اما حالا که سر نشستم را تغییر دادی و مرا نمی بوسی! حالا که پناه نمی دهی و من پناهگاهی ندارم، خدا حافظ ای عزیز ترین عزیزها! از تو جدا می شوم در حالی که برای همیشه تورا دوست خواهم داشت. اما اگر روزی باز گشتم و تو بودی، مرا بپذیر و دیگر سراغ مواد افیونی نرو! تو پدرم آینده ام را به تبااهی کشانیدی ولی همچنان در قلب من خواهید ماند!...

اثری از «زهره» نبود به همین دلیل و با دستور مقام قضایی، آن ها دوباره به طور نامحسوس به محل جنایت بازگشتند تا سر نخ از قاتل فراری به دست آورند. همسایگان نیز از رفت و آمد زنان غریبه و افراد ناشناس زیادی به منزل هادی (مقتول) گلیا به داشتند و هر کدام سخنی می گفتند تا این که حدود ساعت ۲۱ شب مرد پراید سواری سر کوچه توقف کرد و راننده به در منزل «هادی» رفت. در این هنگام افسران تجسس بلافاصله مرد راننده و سر نشین پراید را دستگیر کردند. «حمید» (راننده پراید) که با ماجرای قتل دوستش روبه رو شده بود به نیروهای انتظامی گفت: هادی از همکلاسی های قدیمی من است به همین دلیل به همراه یکی از دوستانم که از او مبلغی پول طلب دارد به در منزلش آمدم ولی از ماجرای قتل اطلاع ندارم. اگر چه همسر هادی را با خودروی پرایدم به منزل یکی دیگر از دوستانم رساندم که رفاقت دیرینه ای با من و هادی (مقتول) دارد.

گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است با اطلاعاتی که «حمید» (راننده) تا کسبی اینترنتی در اختیار پلیس گذاشت بلافاصله افسران تجسس به سرپرستی سروان سید قطعی به سوی ابتدای بولوار طبرسی شمالی حرکت کردند و «زهره» را در پاتوق استعمال مواد مخدر به دام انداختند. عقربه ها ساعت ۲۳ نیمه دی را نشان می دادند که زن جوان به همراه دخترش «یلدا» به کلانتری خواجهر بیع انتقال یافت و با نظارت مستقیم رئیس کلانتری مقابل افسر بازو نشست و به قتل شوهرش اعتراف کرد اما پلک های «یلدا» به روی هم افتاده بود. طولی نکشید که یکی از افسران تجسس تکه موکتی را چندان کرد و دخترک را روی میز گوشه اتاق بازجویی گذاشت. او در حالی به خواب عمیقی فرو رفت که دیگر آینده اش در هاله ای از ابهام قرار داشت. پدرش چند ساعت قبل به قتل رسیده بود و حالا مادر از صحنه آن جنایت وحشتناک سخن می گفت. آرامش عجیبی در چهره دخترک دیده می شد گویی در عالمی دیگر زندگی می کند و از ماجرای اعتیادهای مرگبار چیزی نمی داند.

بنابر گزارش روزنامه خراسان، زن جوان درباره چگونگی قتل شوهرش ادامه داد: پدر و مادرم در یکی از روستاهای کلات زندگی می کنند من هم چند سال قبل با «هادی» هنگام مصرف مواد مخدر آشنا شدم و او بعد از مدتی مرا به عقد موقت خودش آورد. حالا ۴ سال از آن ماجرای گذرد و من صاحب دختری سه ساله به نام «یلدا» هستم ولی هر شب زنان غریبه به خانه ام رفت و آمد داشتند و من بسیار ناراحت بودم. او مدام کنکم می زد و مرا مقابل پدر و مادرم تحقیر می کرد تا این که صبح روز حادثه (نهم دی) بعد از یک مشاخره لفظی به سمت آشپزخانه رفت و با چاقو به

سید خلیل سجاد پور - لرزش پاهای دخترک در سرمای صبحگاهی مشهد از فاصله دور هم نمایان بود به گونه ای که حتی صدای به هم خوردن دندان هایش نیز شنیده می شد اما مادرش در کنار دیوار میپ بنزین جاده کلات در کوه دو سر گرم استعمال مواد مخدر صنعتی (شیشه) بود.

«مصطفی» (مرد ضایعات فروش) با دیدن دخترک، طاقت نیاورد و به سراغ زن جوان رفت تا او را به درون انبار ضایعات دعوت کند. زن جوان چشمان خمارش را به «مصطفی» دوخت و در حالی که «یلدا» را به آغوش می گرفت لوازم استعمال مواد مخدر را بر داشت و در کنار بخاری ضایعاتی به مصرف این ماده خانمانسوز ادامه داد. حالا حدود ۳ ساله که به جای کشش جوراب به پا داشت آرام و بی صدا در گوشه ای نشسته بود که زن جوان را ز عجیبی را برای «مصطفی» (مالک ضایعات فروشی) فاش کرد. او گفت: چند ساعت قبل با شوهر معتادم درگیر شدم و او را با ضربات چاقو کشتم، حالا هم قرار است ساعت یک شب (بامداد) یکی از دوستان شوهرم که با او آشنا هستم به خانه ما در بولوار

بهمین بیاید تا جسد او را به خارج شهر ببریم!... مرد ضایعات فروش حیرت زده چشم به دهان زن جوان دوخته بود اما تصور می کرد او به خاطر مصرف شیشه «توهم» دارد و هذیان می گوید. ساعتی بعد زن جوان به همراه دخترش «یلدا» از ضایعات فروشی بیرون رفت اما حرف های افکار «مصطفی» را به هم ریخته بود. تصمیم گرفت موضوع را به پلیس گزارش بدهد اما گوشی تلفن همراه نداشت تا این که حدود ساعت ۳ بعد از ظهر وقتی به خانه مادرش رسید ابتدا گوشی تلفن او را گرفت و هر آن چه را شنیده بود برای «ایراتور پلیس ۱۱۰» بازگو کرد. طولی نکشید که با دستور سرهنگ روح... شجاعی (رئیس کلانتری خواجهر بیع مشهد) گروهی از افسران تجسس، عازم بولوار بهمین شدند و خانه ای در انتهای یک کوچه ۱/۵ متری را یافتند که زن جوان نشانی آن را داده بود. نگاه یکی از افسران از شیشه کثیف پنجره به داخل اتاق خیره ماند. بهیچ مردی در زیر پتو دیده می شد که اطراف آن خون ریخته بود.

دقایقی بعد ماموران انتظامی با دستور قاضی ویژه قتل عمد، قفل در را شکستند و با جسد مردی ۳۱ ساله روبه رو شدند که «هادی-ص» نام داشت و با ضربات چاقو به قتل رسیده بود. تعداد زیادی فندک اتمی و زورق های مصرف هرویین و لوازم استعمال شیشه در خانه کشف شد که حکایت از فاجعه اعتیاد داشت. طولی نکشید که با دستورات محرمانه قاضی دکتر صادق صفری جست وجو ها برای یافتن زن جوان آغاز و مشخص شد او «زهره» نام دارد و همسر هادی (مقتول) است. با توجه به حساسیت پرونده جنایی، ۲ تن از افسران زبده تجسس (ستوان اسدیان و ستوان محمدی) عازم پاتوق های استعمال مواد مخدر در گوشه و کنار شهر شدند اما

آگهی مناقصه عمومی شماره ۱۴۰۲/۸ (دو مرحله ای)

شرکت توزیع نیروی برق شهرستان مشهد در نظر دارد

یراق آلات مورد نیاز خود شامل انواع آهن پشته، کراس آرم، حائل و ... را از طریق مناقصه عمومی خریداری نماید.

داوطلبان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر از تاریخ ۱۴۰۲/۱۰/۱۱ به سامانه ستاد ایران (WWW.SETADIRAN.IR) مراجعه نمایند.

روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق شهرستان مشهد

www.meedcir ۵۰۷۷۸

آگهی تجدید مناقصه عمومی

شماره فراخوان سامانه ستاد ۲۰۰۲۰۹۴۲۷۰۰۰۰۹

موضوع: تجدید باز پیرایی فضای سبز کال قره خان محدوده بخارانی فاز یک

مبلغ برآورد: ۸۲,۲۹۷,۹۰۲,۱۷۶ ریال

جهت کسب اطلاعات بیشتر، دریافت اسناد و شرکت در مناقصه، به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir مراجعه نمایید. این آگهی در روزنامه رسمی به آدرس www.rtkir نیز درج می گردد.

شهرداری منطقه یک

۵۰۷۵۰

آگهی فراخوان عمومی خرید خدمات مشاوره

شرکت توزیع نیروی برق شهرستان مشهد در نظر دارد نسبت به ارائه خدمات مشاوره در خصوص طراحی و استقرار سیستم مدیریت امنیت اطلاعات مبتنی بر استاندارد ۲۰۲۲: ۲۷۰۱: ۲۷۰۱/ISO در حوزه اداری IT و صنعتی OT به شماره مناقصه ۱۴۰۲/۴۴۷ اقدام نماید. مناقصه گران می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر از تاریخ ۱۴۰۲/۱۰/۱۰ به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس: www.setadiran.ir مراجعه نمایند.

روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق شهرستان مشهد

www.meedcir ۵۰۵۳۸

آگهی مناقصه عمومی

شماره فراخوان سامانه ستاد ۲۰۰۲۰۹۴۲۷۰۰۰۰۸

موضوع: بیمان نگهداری فضای سبز ناحیه ۳ منطقه یک

مبلغ برآورد: ۲۶۱,۳۴۷,۳۵۳,۵۲۷ ریال

جهت کسب اطلاعات بیشتر، دریافت اسناد و شرکت در مناقصه، به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir مراجعه نمایید. این آگهی در روزنامه رسمی به آدرس www.rtkir نیز درج می گردد.

شهرداری منطقه یک

۵۰۷۵۲

مناقصه عمومی یک مرحله ای

فراخوان احداث آبشار شماره ۱ منطقه نمونه ملی گردشگری هفت حوض

شرکت توسعه گردشگری شهرداری مشهد در نظر دارد فراخوان احداث آبشار شماره ۱ منطقه نمونه ملی گردشگری هفت حوض به شماره ۲۰۰۲۰۹۵۰۱۲۰۰۰۰۰۰۲ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس **www.setadiran.ir** انجام خواهد شد. متقاضیان شرکت در فراخوان در صورت عدم عضویت در سامانه، نسبت به ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (به صورت برخط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به عمل آورند.

مواعد زمانی:

تاریخ انتشار فراخوان: ۱۴۰۲/۱۰/۱۱ - مهلت دریافت اسناد فراخوان: ۱۴۰۲/۱۰/۱۹

مهلت ارسال پیشنهادات: ۱۴۰۲/۱۰/۳۰ - زمان بازگشایی پاکت ها: ۱۴۰۲/۱۱/۰۲

نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار: ضمانتنامه بانکی به مبلغ ۱,۰۹۹,۵۵۸,۲۱۱ ریال

اطلاعات تماس و آدرس دستگاه: مشهد آخوند خراسانی ۴ طبقه ششم پارکینگ خسروی شرکت توسعه گردشگری شهرداری مشهد شماره تماس ۰۵۱۳۱۲۹۲۹۶۴

۵۰۷۷۶